

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاه و دوم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۴۷-۱۲۵  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## فراسوی پزشکی: خدمات یاکوب پولاک اتریشی به فرهنگ و هنر ایران

عبدالله میرزایی<sup>۱</sup>، علی وند شعاری<sup>۲</sup>، کاظم پورالوار<sup>۳</sup>

### چکیده

یاکوب پولاک با نام پزشک ناصرالدین شاه از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ میلادی در ایران خدمت کرد. خدمات گسترده پولاک در حوزه پزشکی، او را به‌عنوان پیشگام پزشکی نوین ایران مطرح کرده و دیگر خدمات وی به ایران را به حاشیه برده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر مهجور ماندن فعالیت‌ها و اقدامات احتمالی پولاک در خصوص فرهنگ و هنر ایران پس از بازگشت وی به اتریش است. سوال اصلی پژوهش معطوف به شناسایی و معرفی خدمات پولاک به فرهنگ و هنر ایران در اتریش است. پس از اتمام دوران مأموریت و بازگشت پولاک به اتریش، رخدادهای فرهنگی و اقتصادی متعددی در این کشور به وقوع پیوست. با توجه به شناخت گسترده پولاک از فرهنگ و جامعه ایران و جایگاه علمی و سیاسی وی در دربار امپراطوری اتریش، فرض بر این است که وی صرفاً ناظر بیرونی تحولات فرهنگی و اقتصادی اتریش نبوده، بلکه در جهت معرفی ظرفیت‌های کشور ایران در این رویدادها نقش داشته است. بدین منظور طیفی از اسناد تاریخی و منابع مکتوب به شیوه کیفی و با رویکرد تاریخی تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که پولاک در سال‌های وقوع تحولات روبه‌گسترش فرهنگی و اقتصادی در اروپا، در اختصاص دادن سهمی از این تحولات به هنر و فرهنگ ایران نقش مهمی داشت. فراهم آوردن

۱. دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز، نویسنده مسئول (a.mirzaei@tabriziau.ac.ir)

۲. دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز (a.vandshoari@tabriziau.ac.ir)

۳. استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز (k.pouralvar@tabriziau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۲۹

مقدمات حضور ایران در نمایشگاه بین‌المللی در سال ۱۸۷۳ میلادی و دعوت از ناصرالدین شاه، پژوهش و نگارش کاتالوگ ایران در نمایشگاه جهانی وین، تسهیل مشارکت ایران در نمایشگاه جهانی قالی‌های شرقی در سال ۱۸۹۱ میلادی و نگارش مقاله‌ای تخصصی در کاتالوگ این نمایشگاه، از محورهای اصلی اقدامات پولاک به شمار می‌آید.

**واژه‌های کلیدی:** یاکوب پولاک، ناصرالدین شاه، نمایشگاه جهانی وین، فرهنگ و هنر ایران، دوره قاجار.

### مقدمه و بیان مسئله

«یاکوب پولاک» (۱۸۱۸-۱۸۹۱م) را در ایران اغلب به‌عنوان معلم اتریشی طب در مدرسه دارالفنون و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه می‌شناسند. خدمات گسترده و تأثیرگذار پولاک در حوزه پزشکی، نام وی را به‌عنوان بنیانگذار پزشکی نوین ایران مطرح کرده است. طیفی از رساله‌ها، گزارش‌های علمی و آثار مکتوب بازمانده از پولاک نیز جایگاه ویژه وی را در بنیانگذاری و توسعه علم پزشکی در ایران عصر قاجار گواهی می‌دهد. ۹ سال حضور پیوسته در ایران و مسافرت‌های گسترده پولاک به مناطق مختلف کشور در کسوت محقق و پزشک ویژه دربار و ملازمت دائمی وی با ناصرالدین شاه در کنار فراگیری سریع زبان فارسی در همان اوایل فعالیت، باعث شد پولاک جامعه، فرهنگ و جغرافیای ایران را بشناسد. به‌طوری‌که کتاب *دوجلدی ایران: مردمان و سرزمین آن*، منبعی معتبر در شناخت فرهنگ و جامعه ایران عصر ناصری در بین محققان این حوزه شناخته می‌شود.

وجود گزارش‌ها و رساله‌های مستند و مکتوب از پولاک در کنار کتاب *سفرنامه وی*، باعث شناخته شدن اقدامات و فعالیت‌های وی در ایران شده است. با توجه به اینکه پولاک پس از بازگشت به وین بیش از سه دهه عمر کرد، مسئله اصلی پژوهش حاضر مهجور ماندن فعالیت‌ها و اقدامات احتمالی پولاک در رابطه با فرهنگ و هنر ایران در طی این سه دهه است. از این رو، سوال‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. خدمات یاکوب پولاک به فرهنگ و هنر ایران پس از بازگشت به اتریش کدامند؟ ۲. خدمات یاکوب پولاک در اتریش چه تأثیری در ارتقای جایگاه فرهنگی ایران در اروپا برجای

### گذاشت؟

با توجه به تلاش‌های گسترده امپراطوری اتریش- مجارستان در توسعه صنعتی و فرهنگی شهر وین پایتخت این امپراطوری، از جمله برپایی نمایشگاه‌های جهانی و تأسیس موزه‌ها و مشارکت آثاری از هنر و صنایع دستی ایران در این رویدادها، مقارن با سال‌های حضور پولاک در اتریش - پس از بازگشت از ایران - و نیز آغاز سفرهای اروپایی ناصرالدین شاه در این فاصله، فرض بر این است که یاکوب پولاک صرفاً نظاره‌گر این رویدادها نبوده بلکه به‌عنوان یک پزشک ایران‌شناس و مردم‌شناس فرهنگی در اختصاص دادن سهمی به هنر و فرهنگ ایران نقش داشته است.

### پیشینه تحقیق

خدمات گسترده یاکوب پولاک در حوزه پزشکی و گزارش‌های علمی - آموزشی وی در کنار کتاب *سفرنامه* به‌عنوان منبع مهم مطالعاتی دوره قاجار، باعث شده است که پژوهش‌های متعددی درباره شناخت شخصیت، خدمات و آثار وی انجام شود. همچنین بزرگداشتی به مناسبت ارج نهادن به خدمات وی در سال ۱۳۹۲ با عنوان «شب پولاک» از طرف مجله بخارا برگزار و در خصوص شخصیت و آثار پولاک بحث و سخنرانی شد (مسکوب، ۱۳۹۲). از جمله پژوهش‌های مکتوب انجام‌شده درباره آثار و شخصیت پولاک آثار زیر قابل ذکرند.

حمید (۱۳۸۱) در پژوهشی به بررسی جایگاه «یهودیان ایران در سفرنامه پولاک» پرداخته است. نویسنده مقاله با تحلیل محتوای کتاب *سفرنامه* به‌عنوان یک منبع مستقل و معتبر، در جهت شناخت ابعاد مختلف زندگی و فعالیت جامعه یهودیان ایران در عصر قاجار کوشیده است. عزیزی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای کوتاه به معرفی خدمات پزشکی پولاک به‌عنوان پیشگام پزشکی مدرن در ایران پرداخته و شرحی از زندگی و آثار وی را به دست داده است. گِشتر (جلیل‌زاده) پژوهش‌هایی را در قالب یک طرح مطالعاتی گسترده با حمایت بنیاد ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش در وین به منظور شناخت روابط فرهنگی و اجتماعی ایران و اتریش در قرن ۱۹ میلادی انجام داده است. گشتر مقاله‌ای تفصیلی (۲۰۱۹) درباره پولاک به‌عنوان پزشک شخصی شاه ایران، به زبان آلمانی منتشر کرد که در آن به ابعاد حرفه‌ای و زندگی‌نامه پولاک پرداخته است. بخش

دیگری از پژوهش‌های ده‌ساله گشته در قالب کتابی با عنوان *نامه‌ها و گزارش‌های پولاک از ایران به اتریش (۱۳۹۷)*، به فارسی ترجمه و منتشر شده است. در این کتاب، نامه‌ها و مقالات منتشرشده از پولاک در ستون اختصاصی هفته‌نامه پزشکی وین و نشریه «جامعه امپراطوری - پادشاهی پزشکان در وین» از ۱۸۵۲-۱۸۵۹ میلادی گردآوری و به چاپ رسیده است. گستر همچنین در قالب گزارشی علمی با عنوان «پیشینه‌ای تاریخی از انتقال دانش و فرهنگ بین ایران و اتریش» (۱۳۸۶)، شرحی تاریخی از مبادلات فرهنگی و علمی ایران و اتریش از دوره صفوی تا دوره پهلوی به دست داده است. وی در خلال این پژوهش به اقدامات پزشکی و مطالعات مردم‌شناسانه پولاک و نقش وی در انتقال و شکل‌گیری دانش پزشکی نوین در ایران اشاره کرده است.

میراحمدی (۱۳۷۱) در پژوهشی به معرفی آثار پنج سفرنامه‌نویس آلمانی از جمله پولاک پرداخته که در دوره قاجار به ایران سفر کرده بودند. نویسنده در بخش معرفی پولاک ضمن اشاره به اقامت نسبتاً طولانی مدت وی در ایران، او را آشنا به جزئیات اوضاع اجتماعی، فرهنگی، گیاه‌شناسی، طب و مسائل جغرافیایی ایران معرفی کرده است که به واسطه شغل قبلی در کارخانه قند، نخستین بار تخم چغندر قند را نیز به ایران آورد و «در مقام کشت آن برآمد» (روستایی، ۱۳۸۲: ۲۵۱). زینی‌وند و امیری (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با تحلیل محتوای کتاب *سفرنامه پولاک* به «تصویرشناسی فرهنگی ایرانیان در آئینه سفرنامه پولاک» پرداخته‌اند. در این پژوهش نویسندگان تصاویر بازتاب‌یافته از فرهنگ و جامعه ایران در سفرنامه پولاک را در دو سطح مثبت و منفی شناسایی و معرفی کرده‌اند. در ادامه، مصادیق این نوع برداشت و نگاه پولاک به فرهنگ ایرانی را استخراج و معرفی کرده‌اند. در پژوهشی دیگر، هاشمیان (۱۳۸۱)، با نگاهی تخصصی از منظر تاریخ پزشکی، دکتر پولاک را بنیانگذار پزشکی نوین در ایران معرفی کرده و شرحی از نحوه مسافرت پولاک به ایران، اقدامات پزشکی و آموزشی وی در مدت اقامت در ایران و بازتاب این اقدامات در روزنامه رسمی دولت به دست داده است. روستایی (۱۳۸۲)، در مجموعه دوجلدی *تاریخ طب و طبابت در ایران* (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) شرح مفصلی از فرآیند تکوین طب نوین در ایران عصر قاجار و پهلوی اول به دست داده است. نویسنده در این اثر فاخر علاوه بر معرفی آثار و احوال یاکوب پولاک در حوزه طب نوین ایران، از محتوای نوشته‌ها و تألیفات

متعدد پولاک به عنوان مرجعی در شناخت اوضاع طب و طبابت دوره قاجار در بخش‌های مختلف کتاب بهره برده است. نویسنده در جلد اول این مجموعه به تاریخچه و کلیات تاریخ طب و معرفی شرح احوال طبیبان خارجی فعال در دربار حکومت و دیگر نهادهای کنسولی و نظامی فعال در ایران پرداخته است. معرفی آثار و احوال دکتر پولاک و استناد به نوشته‌های وی در باب اوضاع بهداشتی و پزشکی ایران دوره قاجار در همین جلد اول کتاب گزارش شده است. جلد دوم کتاب نیز به شرح حال حدود چهارصد نفر از طبیبان ایرانی و معرفی شخصیت تاریخی و جایگاه احتمالی هر کدام در بدنه حکومت قاجار و پهلوی اول اختصاص یافته است.

بررسی تحقیقات انجام شده درباره آثار و احوال پولاک در خصوص فرهنگ و جامعه ایران نشان می‌دهد که شهرت و اهمیت اقدامات و خدمات وی در حوزه پزشکی ایران و نیز محتوای غنی و معتبر سفرنامه وی باعث شده که مطالعات انجام شده در مورد پولاک در دو حوزه اصلی متمرکز باشد؛ الف) مطالعات تاریخی و اسنادی جهت شناخت فعالیت‌ها و اقدامات متنوع وی در حوزه پزشکی نوین در ایران عصر قاجار، ب) تحلیل محتوای کتاب سفرنامه پولاک به منظور شناخت فرهنگ و جامعه ایران عصر قاجار. این مطالعات در مجموع، شناخت اقدامات پولاک در طول اقامت وی در ایران را هدف گذاری کرده‌اند. پژوهش حاضر از این نظر که شناسایی فعالیت‌ها و خدمات پولاک به فرهنگ و هنر ایران را پس از ترک ایران و در اتریش مورد توجه قرار داده، تمایز و نوآوری داشته و متفاوت از پژوهش‌های پیشین انجام شده است.

### روش تحقیق

ارزیابی فرضیه پژوهش حاضر بر مطالعه پدیده‌ای مبتنی است که در گذشته روی داده و تمام شده است. از این رو، این پژوهش تاریخی است و با بهره‌گیری از روش‌شناسی پژوهش‌های تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. داده‌های پژوهش از بین منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های اسنادی و گزارش‌های تاریخی محفوظ در کتابخانه ملی اتریش و دانشگاه وین و نیز روزنامه‌های عصر ناصری ایران جمع‌آوری و با تلفیق و تطبیق این داده‌ها به ارزیابی فرضیه تحقیق پرداخته شده است.

## زندگی و خدمات پولاک در ایران

یاکوب پولاک معروف به دکتر پولاک در سال ۱۸۱۸ میلادی در خانواده‌ای یهودی در ناحیه غربی جمهوری چک امروزی و از توابع امپراطوری اتریش - مجارستان متولد شد. وی پزشکی را در شهر پراگ خواند و در ادامه، با مهاجرت به شهر وین پایتخت امپراطوری، درجه دکتری خود را در سال ۱۸۴۵ میلادی از دانشکده پزشکی شهر وین اخذ کرد. وی بعد از اخذ مدرک دکتری، به‌عنوان کارشناس علوم طبیعی و پزشک جراح در وین و نواحی اطراف آن به فعالیت پرداخت (روستایی، ۱۳۸۲: ۲۴۸). در همین سال‌ها به همت امیرکبیر مدرسه دارالفنون با هدف بنیانگذاری آموزش نوین در ایران در حال ساخت بود. بدین منظور امیرکبیر، جان داوودخان مترجم اول وزارت امور خارجه را در سال ۱۲۶۶ ه.ق برای استخدام معلم به اتریش فرستاد. جان داوود خان پس از حدود یک سال و چهارماه، در اتریش قراردادی با شش نفر از معلمان و متخصصان امور نظامی و معدن و پزشکی، برای حضور و فعالیت در ایران امضا کرد (بختیاری و آبادیان، ۱۳۹۰: ۵۰). هیئت اتریشی به همراه جان داوودخان یک هفته پس از عزل امیرکبیر از صدارت در ۲۷ محرم ۱۲۶۸ ه.ق برابر با ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱ م با استقبالی سرد به تهران وارد شد. به‌طوری‌که احدی از دربار به استقبال این گروه نیامد (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۹). مدت کوتاهی پس از ورود به ایران و آماده شدن مقدمات کار، پولاک ۳۳ ساله به‌عنوان «معلم طب و جراحی و کحالی در جمع دوازده معلم دارالفنون مشغول به کار شد» (روستایی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). یادگیری سریع و کامل زبان فارسی در مدت کوتاه پیشرفت سریع پولاک را در امر تعلیم و تربیت شاگردان و درمان بیماران باعث شد. تلاش‌های وی در دارالفنون باعث تأسیس مدرسه طب مدرن شد که بعدها به استقلال از دارالفنون و ارتقا به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران انجامید (گشتر، ۱۳۸۶: ۱۸۷). اشتیاق فراوان پولاک در تعلیم شاگردان و توسعه فعالیت‌های وی در جراحی و درمان‌های نوین که برای ایرانیان تازگی داشت، با آب و تاب در روزنامه رسمی آن دوره درج می‌شد (روستایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). انعکاس این موفقیت‌ها در روزنامه رسمی دربار، افزایش شهرت و محبوبیت وی را در میان درباریان و شخص ناصرالدین شاه موجب شد. با افزایش شهرت پولاک در دارالفنون، به‌ویژه انجام نخستین

فراسوی پزشکی: خدمات یاکوب پولاک اتریشی به فرهنگ و هنر ایران | ۱۳۱

عمل جراحی با بیهوشی کامل در ایران، وی در سال ۱۲۷۲ ه.ق و پس از مرگ حکیم کلوله فرانسوی، به عنوان «حکیم باشی گری دربار همایونی» انتخاب و «مکلف به حضور همه روزه در سر ناهار اعلی حضرت گردید». این رویداد به تفصیل در روزنامه رسمی دربار اطلاع رسانی شد (وقایع الاتفاقیه، ۴ ربیع الاول ۱۲۷۲ ه.ق). فعالیت به عنوان پزشک مخصوص اعلی حضرت و دیدار هر روزه وی در کنار آموزش مستمر تاریخ، جغرافیا و زبان فرانسه به ناصرالدین شاه، زمینه آشنایی پولاک را با خصوصی ترین اتفاقات اندرونی دربار و پی ریزی مناسبات شخصی وی را با پادشاه فراهم کرد. به طوری که ناصرالدین شاه، حکیم پولاک را سوژه یکی از نقاشی های خود نیز قرار داد (تصویر ۱). پولاک هم زمان با حضور در دربار و انجام امور تدریس و طبابت در مدرسه طب، پادشاه را در سفرهای داخلی نیز همراهی می کرد. این کار باعث شناخت کافی وی از طبیعت، فرهنگ، جامعه و هنرهای صنایع ایران شد. پولاک خود در این باره چنین می نویسد: «اقدامات ۹ ساله من در این کشور، آشنایی با زبان فارسی و ادبیات غنی آن، شغل من در سمت معلم مدرسه طب تهران و پس از آن پزشک مخصوص شاه، مسافرت های متعدد به شهرها و ولایات مختلف ایجاب کرد که بتوانم پایتخت و



تصویر ۱. نقاشی ناصرالدین شاه از صورت حکیم پولاک. ماخذ: (URL, 2)

همچنین تمام نواحی این مملکت پهناور و اصل و بنیاد زبان اهالی متنوع، اوضاع و احوال سیاسی و اخلاقی و فرهنگ آن را تا جایی که برای یک خارجی میسر است بشناسم» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۰).

با پایان یافتن مأموریت پولاک در ایران و عمل کردن کلمه به کلمه دولت ایران به تعهدات، وی در سال ۱۸۶۰م/۱۲۷۸ ه.ق بدون مهر و کین از دولت ایران گسست و به وطن خود امپراطوری اتریش بازگشت (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۱۸). پس از بازگشت به اتریش، پولاک نخست به عنوان پزشک در شهر وین و بعدها در جایگاه استاد زبان فارسی در دانشگاه وین به کار مشغول شد. وی پس از ۲۲ سال مجدداً در سفری کوتاه در سال ۱۲۹۹ ه.ق به ایران بازگشت و در منطقه الوند همدان به تحقیق پرداخت. اعتمادالسلطنه در کتاب خاطرات خود در تاریخ ۷ شعبان ۱۲۹۹ ه.ق می‌نویسد: «حکیم پولاک که تازه آمده است دیده شد... بیست و دو سال است که از ایران رفته بود. تازه آمده است به جهت بعضی اکتشافات تاریخی... به اتفاق طولوزان و حکیم پولاک اقدسیه رفتیم... شاه آمدند. با حکیم پولاک خیلی مهربانی کردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۷۹). پس از عمری تلاش در جهت توسعه علم پزشکی و برقراری روابط فرهنگی میان ایران و اتریش، پولاک در سال ۱۸۹۱ و در سن ۷۴ سالگی به علت ضعف و کهولت سن در شهر وین از دنیا رفت. پولاک در مدت حضور در ایران فردی فعال و پرکار بود و در کار تربیت محصلان جوان و تهیه گزارش‌های میدانی از اوضاع بهداشتی و فرهنگی جامعه ایران، جدیت بسیاری از خود نشان می‌داد. به طوری که «علاقه پولاک به پیشرفت محصلین طب و طرز رفتار او بسیار قابل تقدیر و برای سایر معلمین فرنگی و دانشجویان وی سرمشق قرار گرفته است» (روستایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

### نسبت پولاک با فرهنگ و هنر ایران در اتریش

هر چند بازگشت پولاک به اتریش فعالیت‌های رسمی وی را در ایران محدود کرد، اما خدمات افتخاری وی به فرهنگ و هنر ایران پایانی نداشت. وی همواره علاقه‌مندی خود را به فرهنگ و سرزمین ایران ابراز می‌کرد و به‌رغم کاستی‌ها، انتظار روزهای بهتر را برای این سرزمین و مردمان آن داشت. درباره تاریخ ایران اعتقاد داشت «با اینکه افتخارات ایران و ایرانیان بیشتر زاده اقدامات و اعمال آنها در گذشته است ولی هنوز



گرفتار کهولت نشده و کاملاً لیاقت آن را دارد که باز در تاریخ و فرهنگ آینده سهم بسزایی بر عهده گیرند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۹). وی از هر فرصتی برای نشان دادن استعدادها و ظرفیت‌های ایران به جامعه اروپا استفاده کرد. «پولاک به‌عنوان یک مردم‌شناس و پژوهشگر شرق‌شناسی از طریق ترجمه‌ها و انتشارات خود از فرهنگ و هنر ایران، کمک کرد تا مردم اتریش با تاریخ و فرهنگ ایران آشنا شوند» (Fulco, 2017: 55). مطالعات اسنادی، طیفی از خدمات فرهنگی پولاک را در رابطه با جامعه ایران دوره قاجار در فصل دوم زندگی وی - پس از بازگشت به اتریش - آشکار کرد.

#### ۱. نگارش کتاب *سفرنامه*

پنج سال پس از بازگشت به اتریش، پولاک حاصل تجربیات و شناخت میدانی خود را از ایران در تدوین و نگارش مجموعه کتاب دوجلدی با عنوان *ایران: مردمان و سرزمین آن* به‌کار گرفت تا «راه‌های آشنایی با فرهنگ ایران را برای اروپاییان نشان دهد که به قصد مسافرت وارد ایران می‌شوند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۹). این کتاب در سال ۱۸۶۵ در لایپزیک به چاپ رسید و در ایران با ترجمه کیکاووس جهاننداری و با نام *سفرنامه پولاک* (۱۳۶۱) در یک جلد انتشار یافت. «این کتاب که در واقع مردم‌نگاری تفسیری است، حاوی توصیفات فوق‌العاده‌ای درباره زندگی و فرهنگ ایرانیان است و واقعیت‌های جالب توجه و چشم‌اندازهای جامعه ایران را در آغاز عصر مدرن نشان می‌دهد» (گستر، ۱۳۸۶: ۱۹۱). پژوهشگران اهمیت این کتاب را در «ارائه اطلاعات دست اول، ابتدا بر روش علمی تحقیق، رتبه‌بندی موضوعی و گزارش‌های تطبیقی آن می‌دانند» (حمید، ۱۳۸۱: ۸۲۴). انتشار کتاب *سفرنامه پولاک* به زبان آلمانی در نیمه دوم قرن نوزدهم و در اوج جریان‌های شرق‌سوی جامعه در حال تغییر اروپا، باعث شناساندن بهتر فرهنگ و سرزمین ایران در نزد اروپاییان به‌ویژه کشورهای آلمانی زبان با محوریت شهر وین پایتخت امپراطوری اتریش - مجارستان شد. به‌ویژه که «وین در واپسین سال‌های قرن نوزدهم، قلب فرهنگی اروپا است. در جو انحطاط، در فضای مه آلود شهر در آملی تئاترهای دانشگاهی، تالارهای موسیقی و محفل‌های روشنفکرانه، هنرمندان و اندیشمندی که هنوز چندان شهرتی ندارند، سیمای قرن آینده را در

جزیی ترین خطوطش ترسیم می کنند» (فکوهی، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

همان طور که از پیشینه پژوهش حاضر بر می آید، این کتاب امروزه در ایران یک منبع معتبر برای شناخت ابعاد مختلف فرهنگ و جامعه ایران در دوره قاجار به شمار می آید و تحلیل محتوای آن از ابعاد مختلفی دست مایه پژوهش محققان قرار گرفته است.

## ۲. تسهیل اولین حضور رسمی ایران در یک نمایشگاه جهانی وین

در طول قرن نوزدهم و با توسعه انقلاب صنعتی و رشد سرمایه داری و آشکار شدن مزایای آن در حوزه صنعت و تکنولوژی، نخستین نمایشگاه جهانی برای نمایش نبوغ و پیشرفت های فناوریانه و ماشینی در سال ۱۸۵۱ میلادی در کریستال پالاس لندن برگزار شد. با این کار عصر نوینی از مبادلات فرهنگی و اقتصادی و به ویژه اجتماعی، در دنیای معاصر شروع شد. کشورهای شرکت کننده در این رویداد جهانی، جاذبه های فرهنگی و فرصت های سرمایه گذاری خود را در معرض دید جهانیان قرار دادند و با گذشت مدت زمان کوتاهی از این رویدادها، سرمایه های بزرگی به سمت کشورهای شرکت کننده سرازیر شد. پنجمین نمایشگاه جهانی از این دست، در شهر وین پایتخت امپراطوری اتریش - مجارستان و در سال ۱۸۷۳ میلادی با شعار «فرهنگ و آموزش» برگزار شد (کریمی، ۱۳۹۴: ۱۱۵). بعد از چهار دوره برگزاری نمایشگاه جهانی در انگلیس و فرانسه، نخستین مشارکت رسمی و جامع ایران در این رویداد جهانی، در نمایشگاه پنجم و در سال ۱۸۷۳ در وین تجربه شد. این نمایشگاه با نخستین سفر رسمی یک پادشاه ایرانی - ناصرالدین شاه قاجار - به اروپا و بازدید وی از این رویداد مصادف شد. تعداد ۲۵/۷ میلیون نفر در طول شش ماه برگزاری این نمایشگاه، از آن بازدید کردند که تا آن زمان بی سابقه بود و عظمت این رویداد را نشان می دهد (کهنسال نودهی و فولادی نسب، ۱۳۹۴: ۲۸). علاوه بر امپراطوری اتریش - مجارستان و کشور آلمان، تعداد ۲۳ کشور از سراسر جهان در این رویداد مشارکت کردند. کشورهای اروپایی بخش های ویژه و مرکزی نمایشگاه را در سالن اصلی و ساختمان مرکزی گنبددار به خود اختصاص داده بودند و کشورهای غیر غربی یا مستعمرات از جمله ایران، عثمانی،

مصر، چین و ژاپن در چندین سالن متراکم و در بخش‌های کوچکتر و پیرامونی جای داده شده بودند. بازدیدکنندگان در حین قدم زدن در سالن‌ها و محوطه به بازدید از غرفه‌ها اقدام می‌کردند (Fulco, 2017: 52).

پولاک از ده‌ها سال پیش، از شوق و انتظار طولانی مدت ناصرالدین شاه برای فراهم شدن فرصت سفر به فرنگ آگاهی داشت. چنان‌که در سفرنامه خود در این‌باره نوشته است: «شاه روزی به من چنین گفت، حکیم، چند سال دیگر همین که ولیعهد به سن بلوغ و رشد رسید انشا... سفری به فرنگستان خواهم کرد، تو با من می‌آیی؟» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۰). پولاک با علم به این موضوع و از آنجایی‌که پس از بازگشت از ایران در کنار مشاغل حرفه‌ای خود، به‌عنوان مشاور وزارت امور خارجه اتریش در حوزه مطالعات ایرانی نیز فعالیت می‌کرد، امپراطور اتریش را به ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی دائمی با ایران ترغیب کرد. این روابط در سال ۱۸۷۲ و با فرستادن «ویکتور گراف دوبسکی» به‌عنوان حامل دعوت‌نامه رسمی دولت اتریش از ناصرالدین‌شاه، برای سفر به این کشور و بازدید از نمایشگاه رسماً آغاز شد (گشتر، ۱۳۸۶: ۱۹۲). شماره ۱۴۴ روزنامه دولتی «ایران» گزارشی از دیدار اعلیحضرت با «دوبسکی» فرستاده امپراطور اتریش منتشر کرده است. ناصرالدین شاه با شنیدن خبر ورود فرستاده امپراطور اتریش «زاندالوصف مسرور و مشعوف شدند» و در مراسم رسمی دریافت دعوت‌نامه، به فرستاده امپراطور اتریش (فرانس جوزف اول) گفتند: «پیوسته مایل به ملاقات با امپراطور و راغب ملاحظه ویانه (وین) بوده‌ایم که در متون تواریخ معروف و مشهور است. ... امیدواریم که انشاءالله به ویانه رفته و با امپراطور ملاقات نماییم» (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ۵۷۴). در متن دعوت‌نامه امپراطور از شاه ایران ضمن تأکید بر پیش‌بینی تمهیدات لازم برای پذیرایی مهرآمیز از موكب شاه، آمده بود «اعلیحضرت [در این نمایشگاه] مشاهده خواهند فرمود که در عالم، درجه ترقی کسب و صناعت که اسباب فخر و مباهات بنی‌نوع انسان است به چه مایه و اندازه رسیده است» (همان). اهمیت بازدید از این نمایشگاه برای ناصرالدین‌شاه تا اندازه‌ای بود که روزنامه دربار ایران مقصود کلی در انتخاب زمان عزیمت ملوکانه ناصرالدین‌شاه به فرنگستان را تماشای بازار اکسپوزیسیون دولت آستریه [اتریش] اعلام کرد. در سفر به اتریش نیز «ناصرالدین شاه از طرف امپراطور، صدراعظم، ولیعهد و شاهزادگان و دیگر بزرگان اتریش مورد

استقبال قرار گرفت» (بختیاری و آبادگان، ۱۳۹۰: ۷).

در ایام برگزاری نمایشگاه و پس از مذاکرات حضوری ناصرالدین شاه با امپراطور «فرانس جوزف اول» در وین، «ویکتور دوبسکی» - حامل دعوتنامه امپراطوری از ناصرالدین شاه - به عنوان نخستین سفیر اتریش در ایران انتخاب و رهسپار تهران شد. با حمایت از این اقدامات، پولاک ضمن کمک به برقراری روابط سیاسی رسمی دو دولت، به تسهیل حضور ایران در نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳ وین نیز اقدام کرد (URL, 3). به علت مشکلات داخلی و نداشتن ابتکار عمل دولت ایران، پولاک خود نمایندگی ایران را در هیئت رئیسه نمایشگاه پذیرفت. وی یکسال پیش از برگزاری نمایشگاه و در مقام نماینده شاه ایران در این رویداد، کمیته‌ای را به نام «کمیته ایرانی نمایشگاه بین المللی وین» برای فراهم آوردن مقدمات حضور ایران در نمایشگاه تشکیل داد و ریاست آن را نیز خود بر عهده گرفت (Charouz, 2020: 5). این کمیته در بدو تأسیس، زودنیک<sup>۱</sup> سرکنسول اتریش در لبنان را به منظور فراهم آوردن مقدمات اجرایی و دعوت از شرکت زیگلر برای کمک به مشارکت ایران در نمایشگاه و ارسال آثار به تبریز اعزام کرد. در سال ۱۸۷۲ و چند ماه قبل از افتتاح نمایشگاه نیز پولاک در مقام رئیس کمیته ایرانی نمایشگاه، تألیف و انتشار یک کتابچه راهنما را با عنوان «مشارکت ایران در نمایشگاه بین‌المللی وین» به سرانجام رساند. در آن تلاش شده بود تا هم تجار ایرانی و هم تجار اتریشی با چگونگی مشارکت در بخش بازرگانی نمایشگاه وین آشنا شوند. این کتابچه به زبان فارسی ترجمه و برای استفاده تجار و کارگزاران دولتی به ایران ارسال شد (Polak, 1873: 35). با دریافت آثار اسالی از طرف دولت ایران و همچنین به امانت گرفتن آثاری از مجموعه‌داران خصوصی، کمیته ایرانی نمایشگاه به ریاست پولاک، چیدمان غرفه ایران را در نمایشگاه وین برعهده گرفت.

ناصرالدین شاه در وصف حجم آثار به نمایش درآمده در غرفه ایران می‌نویسد: «با وجودی که اغلب متاع‌ها دیر رسیده و هنوز هم نرسیده و با وجودی که سه ماه قبل از این حکم شد که تجار و غیره اسباب جمع کرده بفرستند و بسیار دیر بود، باز هم اسباب و متاع نفیس خیلی شد» (۱۳۷۷: ۲۹۹). به علت کمبود جا و تنوع زیاد آثار رسیده، آثار متنوع شامل صنایع دستی، محصولات خشکبار، سنگ‌های معدنی، جنگ‌افزار، کتاب‌های خطی و... به صورت فشرده و کنارهم بر روی میزها و یا

دیوارهای متحرک و قفسه‌ها به نمایش گذاشته شد (Fulco, 2017: 55). (تصویر ۲).

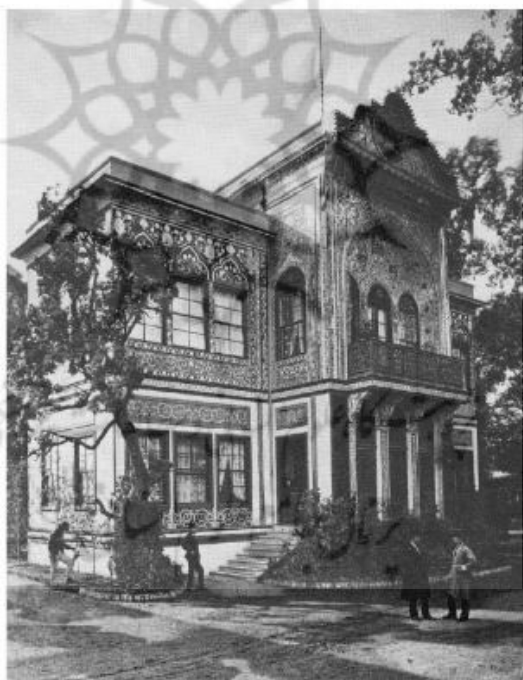


تصویر ۲. دو نما از غرفه ایران در نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳ وین، ماخذ: (Fulco, 2015: 57).

علاوه بر چیدمان غرفه ایران در سالن نمایش، با نظارت کمیته ایرانی نمایشگاه به ریاست پولاک، پاوویون ایران با الهام از سبک معماری مدارس و مساجد ایرانی ساخته و با آینه‌کاری و کاشی‌کاری‌های زیبایی آراسته شد (تصویر ۳). «این کمیته از هیچ کوشش و هزینه‌ای در این جهت دریغ نکرد تا کار خود را به بهترین نحو ممکن به پایان برساند. در نتیجه این اقدامات پاوویون ایران به حدی باشکوه و اصیل تمام شد که توجه همه بازدیدکنندگان را به خود جلب کرد» (Polak, 1873: 36). ناصرالدین شاه که بعد از گذشت دو روز از اقامت خود در اتریش با همراهی امپراتور اتریش «به بازار اکسپوزیسیون که به جمیع امتعه روی زمین مشعون بود تشریف بردند» (روزنامه ایران، شماره: ۱۸۷)، در وصف دیدار خود از این عمارت نوشته است: «بعد از توی اکسپوزیون رفتیم بیرون عمارتی که نمونه عمارت مملکت‌ها را ساخته‌اند ... یک عمارت آینه‌کاری بسیار خوب از دولت ایران ساخته بودند. .... رفتیم به عمارت ایران، چند پله می‌خورد. یک نفر بنا، یک نفر نجار، اسم بنا اوستا اسمعیل است. با وجودی که سه ماه است مأمور کرده بودیم بیاید این عمارت را بسازد، بسیار بسیار خوب از عهده برآمده به این زودی همچین عمارتی ساخته است» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

برپایی این نمایشگاه به امپراتوری اتریش کمک کرد تا روابط دیپلماتیک و اقتصادی گسترده‌ای را با کشورهای اسلامی برقرار کند. همچنین این فرصت را برای کشورهای

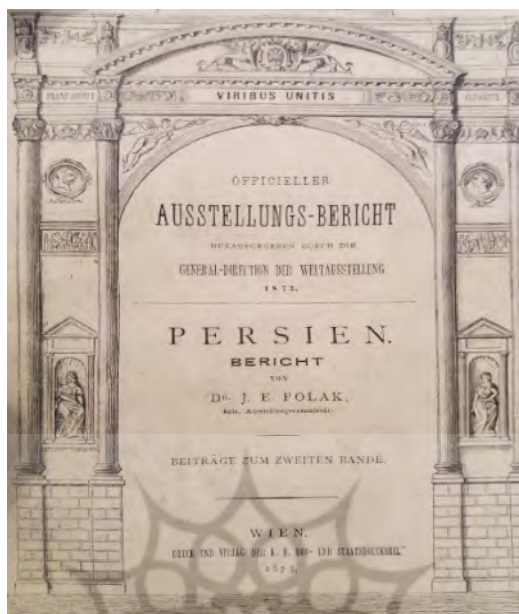
اسلامی از جمله ایران فراهم کرد تا هنر، فرهنگ و معماری خود را به مردم اروپای مرکزی و اتریش معرفی کنند. در زمان برگزاری نمایشگاه جهانی، گروهی از تجار اتریشی به رهبری تاجری برجسته به نام آرتور فون اسکالا<sup>۲</sup> با تشکیل کمیته‌ای به نام «انجمن شرق سو برای تجارت و اقتصاد»<sup>۳</sup> تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد روابط گسترده تجاری با شرق و ارتقای جایگاه وین به مرکز تجارت شرق و غرب آغاز کردند. تلاش‌های این گروه در ادامه، به برپایی نخستین نمایشگاه جهانی فرش‌های شرقی در سال ۱۸۹۱ میلادی مصادف با آخرین سال حیات پولاک، منجر شد. دکتر پولاک در برپایی این نمایشگاه و شرکت دادن فرش‌های ایرانی در آن نقش مؤثری ایفا کرد (Stanzer, 1986: 41).



تصویر ۳. پاریون ایران در محوطه نمایشگاه ۱۸۷۳ وین، ماخذ: (Karl, 2014: 127).

### ۳. نوشتن کاتالوگ تخصصی ایران در نمایشگاه ۱۸۷۳

علاوه بر مجموعه اقدامات اجرایی و مدیریتی در جهت حضور ایران در پنجمین نمایشگاه جهانی که نخستین حضور کامل ایران با اختصاص غرفه و پایون مستقل در نمایشگاه‌های جهانی نیز به شمار می‌رفت، پولاک همچنین مسئولیت نگارش کاتالوگ ویژه ایران را در این رویداد پذیرفت. محتوای غنی و سرفصل‌های موضوعی این کاتالوگ در معرفی پتانسل‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی ایران در یک مجلد مستقل و در ۵۲ صفحه به چاپ رسید (تصویر ۴). پولاک در مقدمه کاتالوگ هدف از نگارش آن را به دست دادن تصویری کلی از سرزمین‌های شرقی به‌ویژه ایران و برقراری ارتباط بهتر بازدیدکنندگان با آثار فرهنگی به نمایش درآمده از این کشورها در نمایشگاه عنوان کرد. پولاک کار خود را با ارائه توصیفی از وضعیت زمین‌شناختی و معادن ایران آغاز کرد و پس از مقدمات جغرافیایی و تاریخی، شرحی مختصر از روند اجرایی مشارکت ایران در نمایشگاه و اقدامات انجام شده کمیته ایرانی نمایشگاه به دست داده است. در ادامه توصیفی دقیق از انواع آثار ایرانی به نمایش درآمده در نمایشگاه و ارزیابی خود از کیفیت این آثار را آورده است. این آثار اقلام زیر را شامل می‌شد: مواد معدنی و نمک‌ها، خشکبار، سبزیجات و گیاهان دارویی، مواد غذایی، هنرهای صناعی در زمینه‌های نساجی و پوشاک، فرش‌های مناطق مختلف ایران، آثار فلزی، چوبی و سفالی، ابزارآلات علمی و موسیقی، نسخه‌های خطی و تصویری. در بخش پایانی کاتالوگ نیز در قالب جداولی، اطلاعات دقیقی از حجم و ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی ایران طی سال‌های ۱۸۶۸-۱۸۷۱ میلادی به دست داده که بعدها مورد استناد پژوهشگرانی چون عیسوی در مطالعه تاریخ اقتصادی ایران قرار گرفته است (Issawi, 1971). پولاک در جمع‌بندی این بخش راهکار جبران تراز منفی صادرات ایران را در توسعه شبکه‌های حمل و نقل شامل راه‌آهن و راه‌های شوسه معرفی کرده است. وی در پایان این کاتالوگ تحلیلی، با انتقاد از روابط تجاری اندک اتریش با ایران، به نقش دلالتان ترکیه‌ای در این رابطه اشاره و بر اهمیت یافتن مسیرهای تجاری مستقیم میان دو کشور برای افزایش حجم مبادلات تأکید کرده است.



تصویر ۴. کانالوگ ایران در نمایشگاه ۱۸۷۳ وین، محل دسترسی: (کتابخانه مرکزی دانشگاه وین، تابستان ۱۳۹۵).

در مجموع در نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳ «علاوه بر مواجهه حضوری بازدیدکنندگان با غنا و تنوع محصولات ایرانی، حمایت‌ها و اقدامات جنبی دکتر پولاک به حدّ اعلایی، به اصلاح ذهنیت رایج عقب‌ماندگی فرهنگی ایرانیان نزد جامعه اروپا کمک کرد» (Charauz, 2020: 10). مشارکت فعال ایران در این نمایشگاه با هدایت پولاک و نیز تسهیل حضور ناصرالدین شاه در این رویداد به‌عنوان یک شاه زنده و واقعی شرقی، باعث تقویت جایگاه ایران در جریانات شرق‌سوی فرهنگی و اقتصادی غرب شد و با ورود شرکت‌های چندملیتی غربی به ایران تبعات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران در دو دهه آخر قرن نوزدهم برجای گذاشت.

#### ۴. مشارکت در برپایی نخستین نمایشگاه جهانی فرش

در پی گسترش فضای شرق‌سوی حاکم بر جامعه اتریش در ایام برگزاری نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳، مدیران و مسئولان شهری وین با هدف بهره‌برداری از این جریان



فرهنگی شرق سو، به تأسیس «موزه شرق‌شناسی»<sup>۴</sup> با تجمیع آثار شاخص خریداری شده از نمایشگاه و نیز آثار اهدایی اقدام کردند. انتشار مقالات و کتاب‌های مختلف در جهت شناساندن ظرفیت‌های صنایع دستی کشورهای شرقی در الهام‌بخشی به تولیدات صنعتی غربی، از جمله اقدامات این موزه بود. پولاک نیز در همکاری با موزه شرق‌شناسی مقالاتی را در ارتباط با ابعاد فرهنگی و فرصت‌های اقتصادی ایران در نشریه این موزه منتشر کرد (URL, 3). این موزه در ادامه و با هدف تقویت جایگاه هنرهای صنعتی کشورهای شرقی، به برنامه‌ریزی وسیع برای برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی در زمینه هنرهای صنعتی شرقی مبادرت کرد. اولین نمایشگاه به سفال و سرامیک و دومین نمایشگاه فراگیر از این دست، به نخستین نمایشگاه جهانی فرش دستبافت شرقی اختصاص داشت که از ۴ آوریل تا ۱۵ ژوئن سال ۱۸۹۱ میلادی به مدت ۷۰ روز - مصادف با سال آخر حیات پولاک - در وین برگزار شد (Karl, 2019: 118).

اسکالا مدیر نمایشگاه، در کاتالوگ نمایشگاه با اذعان به کمبود منابع علمی معتبر در مورد فرش‌های شرقی و نبود یک نمایشگاه تخصصی در این زمینه، به‌رغم گسترش تقاضا برای خرید و استفاده از این فرش‌ها در بین اروپاییان، هدف از برگزاری این نمایشگاه را نشان‌دادن چگونگی کارکرد بازار فرش و آموزش مصرف‌کنندگان، بنیانگذاری استانداردهایی به منظور ارزیابی کیفی قالی‌ها، تدوین معیارهای ارزش‌گذاری قالی‌ها برای جلوگیری از مغلوب شدن خریداران تازه کار، کمک به تجارت قالی‌های شرقی و مهم‌تر از همه کمک به بهبود کیفیت تولیدات محلی و صنایع دستی و ماشینی داخلی عنوان کرده بود (Scala, 1891: ۵ - ۷). برگزاری موفق این نمایشگاه و حضور فعال کارشناسان و پژوهشگران هنرهای شرقی در نمایشگاه و برگزاری سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی، شناخت بهتر و بیشتر علاقه‌مندان از هنرهای شرقی و به‌ویژه قالی‌های ایرانی را باعث شد.

برپایی نمایشگاه جهانی فرش و آثار پژوهشی منتشرشده درباره فرش‌های به نمایش درآمده، تأثیرات مهمی در گرایش جامعه غربی به استفاده از سبک دکوراسیون شرقی و توسعه تجارت قالی مشرق‌زمین به‌ویژه ایرانی، در غرب برجای گذاشت. در فراهم آوردن زمینه حضور ایران در این رویداد و معرفی ظرفیت‌های ایران در حوزه فرش و فرش‌بافی نیز پولاک نقش مهمی ایفا کرد. وی مقاله‌ای مفصل در کاتالوگ

تفضیلی علمی و آموزشی نمایشگاه که در ۳۰۰ صفحه با محوریت تاریخ قالی‌های شرقی، مناطق اصلی بافت، معرفی نقوش قالی‌ها، شناخت انواع فرش، تکنیک‌های بافت و رنگرزی، به قلم پژوهشگران صاحب نام از جمله «آلويس ریگل»<sup>۵</sup> و «ویلیام فون بده»<sup>۶</sup> نگاشت و به چاپ رساند (تصویر ۵). مقاله پولاک بر معرفی ویژگی‌های جغرافیایی و ظرفیت‌های تجاری ایران در زمینه تولید قالی‌های نفیس تمرکز داشت. مطالعه این مقاله از شناخت دقیق پولاک نسبت به جایگاه فرش در زندگی و فرهنگ ایرانیان و نیز فرآیند رنگرزی و تولید فرش در ایران نشان دارد. وی در این مقاله ضمن پرداختن به مشکلات صادرات فرش ایران، سنگینی فرش‌ها و هزینه بالای حمل و نقل و فقدان راه‌های مناسب ارتباطی را مهم‌ترین مانع در توسعه صادرات قالی بیان کرده است. بررسی اطلاعات هویتی دست‌بافته‌های به نمایش درآمده در کاتالوگ این نمایشگاه نشان می‌دهد که از مجموع ۵۱۵ تخته دست‌بافته به نمایش درآمده، نزدیک به یک‌چهارم آنها به تعداد ۱۱۵ تخته، به جغرافیای قالی‌بافی ایران متعلق بوده است. در این بین، پولاک خود دو تخته قالی ایرانی متعلق به مناطق فراهان و سرابند را در نمایشگاه شرکت داده بود.

باتوجه به اهداف آموزشی در نظر گرفته شده برای نمایشگاه و ساختار تعلیمی دفترچه آن، این نمایشگاه در سطوح مختلفی به شکل‌گیری استانداردهای جدیدی برای ارزیابی و قیمت‌گذاری قالی‌ها کمک کرد و در بنیانگذاری استانداردهای زیبایی‌شناختی برای ذائقه مصرف‌کنندگان و طراحان و همچنین استانداردهایی برای نمایشگاه‌های آتی مؤثر واقع شد. همچنین این نمایشگاه داده‌های لازم برای انجام دادن مجموعه‌ای از پژوهش‌ها را نه تنها در زمینه قالی‌ها بلکه در زمینه گرایش نوظهور هنر اسلامی و تاریخ‌نگاری هنر اروپایی و اسلامی فراهم کرد (karl, 2019: 122).

کار و زندگی بین‌فرهنگی پولاک با انتشار لغت‌نامه پزشکی در دارالفنون تهران آغاز شد و با نوشتن مقاله‌ای در کاتالوگ نمایشگاه جهانی فرش در وین در ۸ اکتبر سال ۱۸۹۱ میلادی و تقریباً ۳ ماه بعد از خاتمه نمایشگاه جهانی فرش به پایان رسید.



تصویر ۵. کاتالوگ نمایشگاه جهانی فرش ۱۸۹۱ وین، محل دسترسی (کتابخانه مرکزی دانشگاه وین، تابستان ۱۳۹۵).

### نتیجه گیری

مطالعات نشان داد که آشنایی کافی نسبت به فرهنگ، جغرافیا و جامعه ایران عصر قاجار و باور پولاک به آینده درخشان این ملت، وی را ترغیب کرده بود تا در کوران تحولات فرهنگی و اقتصادی در حال وقوع در امپراطوری اتریش، مترصد فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های ایران در این تحولات باشد. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، توسعه صنعتی و فرهنگی شهر وین، برگزاری نمایشگاه‌های معتبر جهانی، تأسیس موزه‌های هنری و صنعتی با هدف ارتقای جایگاه امپراطوری در بین کشورهای صنعتی، در دستور کار دولتمردان اتریش قرار گرفت. با توجه به اینکه دولت ایران به علت مشکلات داخلی متعدد و نداشتن ابتکار عمل سیاسی و اقتصادی، ناتوان از حضور مستقل و بابرنامه در این رویدادها بود، پولاک با آگاهی از ظرفیت‌های پنهان و آشکار ایران در این زمینه‌ها، با تشکیل کارگروه‌های ویژه و مشاوره‌های سیاسی و فرهنگی نقش محوری در تسهیل مشارکت ایران در این رویدادها ایفا کرد.

خدمات شاخص و شناخته شده پولاک در اتریش و نسبت به فرهنگ و هنر ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، شامل نگارش کتاب *سفرنامه پولاک*، فراهم آوردن مقدمات حضور ایران در نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۷۳ میلادی و دعوت از ناصرالدین شاه برای شرکت در این رویداد در قالب نخستین سفر اروپایی شاه، پژوهش و نگارش کاتالوگ تخصصی ایران در نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳ میلادی، تسهیل مشارکت قالی ایران در نخستین نمایشگاه جهانی قالی‌های شرقی و نگارش مقاله‌ای تخصصی در کاتالوگ این نمایشگاه است.

برآیند مطالعات در تأیید فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که یاکوب پولاک در سال‌های وقوع تحولات روبه گسترش فرهنگی و اقتصادی در اروپا، نه تنها صرفاً نظاره‌گر این رویدادها نبوده است، بلکه به عنوان یک پزشک آشنا به جامعه ایران، جریان تبادل دانش و فرهنگ میان ایران و امپراطوری اتریش را در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تسهیل کرده و به آن سرعت بخشیده است.

#### پی‌نوشت‌ها

1. wiedinek
2. A. V. Scala
3. The Oriental Society for Trade and Economics
4. Orientalisches Museum
5. A. Riegle.
6. W. V. Bode

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- اعتمادالسلطنه (۱۳۵۰)، *روزنامه خاطرات*، با مقدمه ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *روزنامه ایران*، گردآوری و تدوین عنایت‌اله رحمانی، جلد اول، شماره ۲۰۸۱. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲)، *انسان‌شناسی هنر*، تهران: نشر ثالث.
- بختیاری، محمد و حسین آبادیان (۱۳۹۰)، «روابط سیاسی ایران و اتریش در دوره ناصری (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)»، *تاریخ ایران*، شماره ۵، ۱۷-۱.
- حمید، حمید (۱۳۸۱)، «یهودیان ایران در سفرنامه یاکوب پولاک»، *ایران‌شناسی*، سال ۱۴، شماره ۵۶، ۸۳۴-۸۲۳.
- راعی، انیسه (۱۳۷۵)، *اتریش*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲)، *تاریخ طب و طبابت در ایران: از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه*، مجموعه دوجلدی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- زینی‌وند، تورج و پروین امیری (۱۳۹۶)، *تصویرشناسی فرهنگی ایرانیان در آینه پولاک، تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۰ (۴)، ۲۳-۳۹.
- کهنسال نودهی، مریم و کاوه فولادی نسب (۱۳۹۴). *تأملی بر تحولات نمایشگاه‌های جهانی و اکسپوها در: اکسپو: جهان در پوست معماری*، تدوین: ندا اکبری، مشهد: کتابکده کسری.
- گشتر (جلیل زاده)، افسانه (۱۳۹۷)، *نامه‌ها و گزارش‌های پزشکی یاکوب ادوارد پولاک از ایران ۱۸۵۲-۱۸۶۲*، ترجمه تورج آرامش، تهران: چوگان.
- گشتر (جلیل زاده)، افسانه (۱۳۸۶)، *پیشینه‌ای تاریخی از انتقال دانش و فرهنگ بین اتریش و ایران*، ترجمه یاسمین ثقفی، بخارا، شماره ۶۴، ۱۸۴-۱۹۴.
- مسکوب، ترانه (۱۳۹۲)، *شب ادوارد یاکوب پولاک*، سیاح اتریشی و پزشک ناصرالدین شاه برگزار شد، *تاریخ مراجعه*: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰. قابل دسترسی در: <http://bukharamag.com/08,41322html>
- میراحمدی، مریم (۱۳۷۱)، «جهانگردان آلمانی در ایران: ۱۸۰۰-۱۹۵۰»، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۲۷، ۵۷۲-۵۹۴.
- هاشمیان، احمد (۱۳۸۱)، «دکتر پولاک بنیانگذار پزشکی نوین در ایران»، *گنجینه اسناد*، شماره

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۷)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان (۱۲۹۰ ه. ق.)، تدوین فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی.

- Azizi, M. H. (2005), History of contemporary Medicine in Iran: D.R. Jacob Edvard Polak (1818-1891), The Pioneer of Modern Medicine in Iran. *History of Contemporary Medicine: Arch Iranian Med*, 151-152.
- Gachter, A. (2019), *Der Leibarzt des Schah Jacob E. Polak 1818-1891 Eine west-östliche Lebensgeschichte wien: nap.*
- Fulco, D. (2017), Displays of Islamic Art in Vienna and Paris, *MDCCC 1800*, (6) 51—66. Retrieved from: <https://edizionicafoscari.unive.it/riviste/mdccc-1800/2017/1numero-monografico/displays-of-islamic-art-in-vienna-and-paris/>
- Karl, B (2014), Persian Art in 19<sup>th</sup>-Century Vienna, In Y. Kadoi & I. Szanto (Ed), *The Shaping of Persian Art: Collections and Interpretations of the Art of Islamic Iran and Central Asia*. Newcastle-upon-Tyne: Cambridge Scholars Publishing.
- karl, B (2019), Carpets and Empire: The 1891 Exhibition at the Handelsmuseum in Vienna. Retrieved from: <https://brill.com/view/title/55278>
- Issawi, C (1971), *The economic history of Iran, 1800-1914*. Chicago: The University of Chicago press.
- Charouz. L. (2020), Naser al-Din Shah's 1873 Visit to the World's Fair in Vienna, Iran, Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/05786967.2020.1762503>
- Polak, J.E (1873), *Persien Bericht, Officieller Ausstellungs-Bericht*, wien: Druck Und Verlag Der K. K, Hof, Und Staatsdruckerei.
- Scala, V. A (1891), *Katalog Ausstellung Orientalischer Teppiche*, Wien: K. K. Osterr. Handels Museums.
- Stanzer.W (1986), 'Austrian Carpet History', In: W, Stanzer, (Ed), *Antique Oriental Carpets from Austrian Collections*, Vienna: Society for Textile Art Research, 39-49.
- URL,2: [https://iranicaonline.org/uploads/files/polak\\_i\\_fig\\_1.jpg](https://iranicaonline.org/uploads/files/polak_i_fig_1.jpg). Retrieved August 15, 2020.
- URL, 3: <https://iranicaonline.org/articles/polak-jakob-eduard> Retrieved August 25, 2020.

پرتال جامع علوم انسانی

**List of Sources with English Handwriting:**

- Baḳṭīyārī, Moḥammad and Ḥosseīn ‘Abedīyān (1390), "Iran - Austria Political Relations in the Naserid Period (1847 - 1896)", *Journal of Iran Histori*, No. 5, 1-17.
- E‘temād al-Saltāneh (1350), *Rūznām-e k̄āṭerāt*, with an introduction by Iraĵ Afšār, Tehran: Amīr Kabīr.
- Fakūhī, Nāṣer (2012), *Anthropology of Art*, Tehran: Našr-e tāleṭ.
- Ḥamīd, Ḥamīd (1381), "Jews of Iran in Jakob Polak's travelogue", *Iranology*, year 14, number 56, 823-834.
- Hāšemīyān, Aḥmad (2008), "Dr. Polak, the founder of modern medicine in Iran", *Treasure of Documents*, No. 3 and 4, 17-12.
- ĵalīlzādeh, Afsāne (2006), a historical background of the transfer of knowledge and culture between Austria and Iran, translated by Yāsāmīn Ṭaqafī, *Bukhara*, No. 64, 184-194.
- ĵalīlzādeh, Afsāne (2017), *Jacob Edward Polak's letters and medical reports from Iran 1852-1862*, translated by Torāĵ Ārāmeš, Tehran: Čogān.
- Kohansāl Nodehī, Maryam, *Kāveh Fūlādī Nasab* (2014). A reflection on the developments of world exhibitions and expos in: *Expo: The World in the Skin of Architecture*, Edited by: Neda Akbarī, Mashhad: Kasrā Library.
- Maskob, Taraneh (2012), *Edward Jacob Pollack, Austrian tourist and doctor Naseruddin Shah*, reference date: 10/07/1400. Available at: <http://bukharamag.com/1392.08.4132.html>
- Mīrahmadī, Maryam (1371), "German travelers in Iran: 1800-1950", *Geographical Research*, No. 27, 572-594.
- Nāṣer al-Dīn šāh Qājār (1377), *Rūznāme k̄āṭerāt-e Nāṣer al-Dīn šāh dar Safar-e Aval-e Ferangestān (1290 AH)*, edited by Fāṭeme Qāzīhā. Tehran: National Documents Organization.
- Polak, Jakob Edward (1361), *Persien das land und seine bewohner*, translated by Keikāvūs ĵahāndārī, Tehran: k̄ārazmī.
- Polak, Jakob Edward (1374), *Iran newspaper*, compiled and edited by ‘Enāyat Olāh Raḥmānī, volume 1, number 1208-1. Tehran: National Library of Iran.
- Rā‘ī, Anīseh (1375), *Austria*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing House.
- Rūstā‘ī, Moḥsen (2012), *History of medicine in Iran: from the Qajar era to the end of Reza Shah's era*, two-volume. Tehran: Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran.
- Zeīnī-Vand, Torāĵ, Parvīn Amīrī (2016), *The Iranian, Cultural Imagology in the Mirror of Polak's Itinerary*, *Iranian Cultural Research*, 10 (4), 39-23.